

الله اعلم


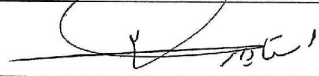

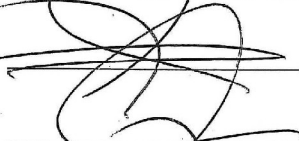
تأییدیه هیات داوران

(برای پایان نامه)

اعضای هیات داوران، نسخه نهایی پایان نامه آقای:

را با عنوان:

از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی تأیید می کند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
استاد راهنما	کبری روستنگر	استاد	
استاد مشاور	محمی مقفی زاده	استاد	
استاد مشاور			
استاد منتحن	سرفا رفعتی دگر رضا ابوعلی		
استاد منتحن	خلیل پورقربان		
نماینده گروه			

آئین نامه پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی پژوهشی دانشگاه است. بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر “دفتر نشر آثار علمی” دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

“کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته زبان و ادبیات عربی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر کبری روشنفکر، مشاوره دکتر عیسی متقی زاده از آن دفاع شده است.

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به “دفتر نشر آثار علمی” دانشگاه اهداء کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تادیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت های بهای خسارت، دانشگاه مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند، به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب آئینه خاکسار بلداجی دانشجوی رشته زبان و ادبیات عربی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: آئینه

خاکسار بلداجی

تاریخ

امضا ۱۳۹۰/۶/۱۶

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عنوان پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمد‌های حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باشد با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تأیید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب آمنه خاکسار بلداجی دانشجوی رشته زبان و ادبیات عربی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی معتمد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمودم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.»

امضا
تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۶



جامعة تربيت مدرّس

كلية العلوم الإنسانية

رسالة أعدت لنيل شهادة الماجستير في اللغة العربية و آدابها
الهجاء السياسي في الأدب السوري المعاصر (نزار قباني و محمد الماغوط نموذجاً)

آمنه خاكسار بلداجي

الأستاذة المشرفة

الدكتورة كبرى روشنفكر

الأستاذ المشرف المساعد

الدكتور عيسى متقي زاده

صيف ١٣٩٠هـ - ش/٢٠١١م

الإهداء

إلى معدني الرحمة و الرأفة و المحبة و التضحية ... والديّ
إلى الذين وقفوا بجاني في طريق الحياة الوعرة بوّدهم و محبتهم.
إلى كلّ من علّمني الحياة ... و الصمود...
إليهم جميعاً أقدم هذا الجهد المتواضع.

الشكر و التقدير

أتقدم بجزيل الشكر و الإمتنان لأستاذتي العزيزة الدكتورة كبرى روشنفكر لإرشادها القيمة و آرائها الدقيقة في إعداد هذه الرسالة و أبدي خالص شكري لسعادة الأستاذ المشرف المساعد الدكتور عيسى متقي زاده الذي ساعدني بتوجيهاته السديدة كما أشكر أستاذتي العزيزة الدكتورة برويني الذي جرّعني من معين علمه و علّمني معنى الحياة آملة أن ينفعني الله بعلمهم و يجزيهم خير الجزاء كما أشكر أختي الودودة السيدة فاطمة بخيت وأخي الودود السيد عادل الجبري و السيد موسى عربي،
و أخيراً شكراً لكل من له يد في إنجاز هذا العمل المتواضع .

الملخص

الهجاء أو التهجاء أو الهجو نوع من الشعر نقيض المديح يكتب عندما يريد الشاعر أن يعبر عن سخطه و إشمئزازه من شخص آخر و هو عكس المديح و النقاد يذكرون للهجاء ثلاثة أنواع و هي الهجاء الشخصي و الأخلاقي و السياسي. إن الهجاء السياسي يتميز عن سائر أنواع الهجاء بأن صاحبه يرى مثله الأعلى في حزب من الأحزاب أو طائفة من الطوائف أو مذهب من المذاهب، فهو يهاجم كل ما يتعارض مع هذه المثل من نقائص و معائب تتمثل في أنصار حزب آخر. تحاول القصيدة السياسية المعاصرة أن تنتقد الواقع المحبط الذي يحاصرنا من كل جانب، و يحاول بعض الشعراء من منتقدي التردّي و السقوط و الهزائم، أن يفتحوا عيوننا حتى نرى الصورة الأخرى، تلك الصورة التي يتجاهلها الإعلام الرسمي و الأدب الرسمي. إن الظروف الراهنة في البلدان العربية من النكبات و الهزائم و التخلفات و الترديات و ... دفعت الشعراء لإبراز سخطهم عليها و لم تكن سوريا بمنحى عن هذا الأمر. إن الشاعر نزار قباني الذي سُمّي بشاعر المرأة بعدما رأى تردّي العرب و نكستهم في ١٩٦٧ بدأ مشواره الطويل بنقد العرب و هجوا الاستبداد و هجو الأنظمة العربية و سياساتهم السيئة و... حتى إختص بنفسه عنوان شاعر السياسة. و ظروف الحياة القاسية في سوريا و السجن ادت إلى إزدهار شاعرية الماغوط بأشعاره المسماة بقصيدة النثر و بدأ بهجاء نظام الدولة أو الحكومة و انتقادها بسكين السخرية باستخدام الأساليب العديدة.

تسعى هذه الرسالة إلى معالجة الهجاء السياسي في الأدب السوري المعاصر حيث تقوم بالبحث في آثار علمين من أعلام الأدباء السوريين أعني الشاعر السوري الراحل نزار قباني (١٩٩٨-١٩٢٣) و الأديب الراحل محمد الماغوط (١٩٣٤-٢٠٠٦) بالبحث في مضامين أشعارهم السياسية و خصائصهم الفنية بالإعتماد على منهج التحليل و الوصف. و تصل إلى نتائج حيث نرى أنهما تشابها في معالجة الكثير من الموضوعات السياسية مع إختلاف يسير فيها، كما نلاحظ التشابه في بعض الأساليب مع بقاء إختلافاتهما الأسلوبية.

الكلمات المفتاحية: الهجاء السياسي، سوريا، نزار قباني، محمد الماغوط.

چکیده:

هجا یا هجو نوعی از شعر است که در مقابل مدح قرار دارد و هنگامی نوشته می‌شود که شاعر قصد دارد خشم و نفرت خود را نسبت به شخص دیگری بیان کند. ناقدان سه نوع هجو ذکر کرده‌اند: هجای شخصی، هجای اخلاقی و هجای سیاسی. ویژگی ای که هجای سیاسی را از دیگر انواع هجو متمایز می‌کند این است که صاحب آن آرمان خود را در حزبی خاص یا طایفه‌ای خاص یا مذهبی خاص می‌بیند به این سبب با هر آنچه که با این آرمان در تعارض باشد خواه نقصی در حزب مقابل باشد یا ویژگی منفی به مخالفت بر می‌خیزد.

قصیده‌ی سیاسی معاصر سعی دارد واقعیت‌های منحنی را که از هر سو ما را احاطه کرده‌اند مورد انتقاد قرار دهد. برخی از مخالفان عقب ماندگی و سقوط و شکست سعی دارند که دیدگان ما را بر این واقعیت‌ها بگشایند تا بتوانیم صورت واقعی این امور را ببینیم صورتی که از سوی رسانه‌های ملی و ادبیات ملی نادیده گرفته می‌شود.

شرایط کنونی کشورهای عربی و شکست‌ها و عقب ماندگی‌های دول عربی برخی از شاعران را بر آن داشت تا به ابراز خشم خود پرداخته و سوریه نیز در این میان از این امر برکنار نبوده. نزار قبانی شاعر سوری که به نام شاعر زن شناخته شده است بعد از اینکه شکست عرب‌ها در سال ۱۹۶۷ را اقدامات خود را در زمینه‌ی هجو و نقد استبداد و نظام‌های عربی و سیاست‌های ناکارآمد آنان آغاز کرد و توانست عنوان شاعر ساست را به خود اختصاص دهد.

شرایط دشوار زندگی در سوریه و زندان نیز منجر به شکوفایی قریحه‌ی شعری محمد الماغوط شد و با نوع جدید شعری اش که به شعر حر مشهور گشت هجای نظام دولت و حکومت را از سر گرفت و با به کارگیری سلاح طنز به انتقاد از ناکارآمدی سیاست‌های حکومتی و... پرداخت.

این تحقیق سعی دارد هجای سیاسی معاصر را در سوریه با تکیه بر آثار نزار قبانی (۱۹۹۸-۱۹۲۳) و محمد الماغوط (۲۰۰۶-۱۹۳۴) مورد بررسی قرار داده و با جستجو در مضامین اعمال سیاسی دو ادیب و همچنین اسالیبشان با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلیه نتایجی برسد از آن جمله تشابه زیاد در موضوعات مورد بررسی دو شاعر با اختلاف کم و تشابه برخی از اسلوب‌های شاعران با حفظ اختلافات اسلوبیشان.

کلمات کلیدی: هجای سیاسی، سوریه، نزار قبانی، محمد الماغوط.

١	الفصل الأول: كليات البحث، و التعاريف
٢	مقدمة
٤	١-١. الكليات
٤	١-١-١. مسألة البحث
١٠	١-١-٢. أسئلة البحث
١١	١-١-٣. فرضيات البحث
١١	١-١-٤. أهداف البحث
١٢	١-١-٥. منهج البحث و موادّه
١٢	١-١-٦. خلفية البحث و جدّته
١٤	٢-١. التعاريف
١٤	١-٢-١. الهجاء لغةً و اصطلاحاً
١٥	٢-٢-١. 2. الشعر السياسي
١٦	٢-٢-١. 3. الهجاء السياسي
١٦	٢-٢-١. 4. أنواع الهجاء
١٧	٢-٢-١. 5. الأسلوب
١٧	٢-٢-١. 6. أساليب الهجاء
١٨	٢-٢-١. 7. قيمة الهجاء و الهجّائين
١٩	٢-٢-١. 8. المصطلحات المتصلة بمفهوم الهجاء
٢١	٢-٢-١. 9. خلاصة الفصل
٢٢	الفصل الثاني: تطور الهجاء السياسي في الأدب العربي
٢٣	مقدمة
٢٤	١-٢. الهجاء السياسي ما قبل عصر النهضة:
٢٤	١-١-٢. الهجاء السياسي في العصر الجاهلي
٢٦	١-٢-٢. الهجاء السياسي في عصر صدر الإسلام
٣٠	١-٢-٣. الهجاء السياسي في العصر الأموي
٣٩	١-٢-٤. الهجاء السياسي في العصر العباسي
٤٥	١-٢-٥. الهجاء السياسي في العصر الأندلسي

٤٦	٢-٢.الهجاء السياسي ما بعد عصر النهضة
٤٦	١-٢-٢.الهجاء السياسي في العصر الحديث
٤٨	٢-٢-٢.الجو السائد في الهجاء السياسي في سوريا
٥١	٣-٢.خلاصة الفصل وضرورة متابعة الهجاء السياسي في العصر الحديث
٥٥	الفصل الثالث: الأوضاع السياسية و الاقتصادية و الاجتماعية المعاصرة في سوريا و التعريف بالأديبين(نزار قباني و محمد الماغوط)
٥٦	مقدمة
٥٦	١-٣. نظرة عامة إلى الأوضاع السياسية و الاقتصادية و الاجتماعية في سوريا من بعد الحرب العالمية الثانية حتى سنة (٢٠٠٦م)
٦٣	١-١-٣.الدول العربية و يقظة شعوبها
٦٤	٢-١-٣. المؤثران الاقتصادي و الاجتماعي
٦٦	٢-٣. التعريف بالأديبين
٦٦	١-٢-٣. التعريف بنزار قباني (١٩٢٣-١٩٩٨م)
٧٦	٢-٢-٣. التعريف بمحمد الماغوط (١٩٣٤-٢٠٠٦م)
٧٧	السيرة الذاتية
٨٠	السيرة الأدبية
٨٩	الفصل الرابع: الهجاء السياسي عند نزار قباني و محمد الماغوط
٩٠	١-٤. مضامين الهجاء السياسي عند نزار قباني
٩١	١-١-٤. الاستبداد و مظاهره
٩٢	١-١-١-٤. الحكومة المطلقة المستبدة
١٠١	٢-١-١-٤. عدم تغيير الحكام
١٠١	٣-١-١-٤. محاكم التفتيش
١٠٤	٤-١-١-٤. حضور الجواسيس و قوات الأمن الواسعة في المجتمع
١٠٦	٥-١-١-٤. تعذيب المخالفين
١١٠	٦-١-١-٤. الحرية المسلوبة
١١٠	٧-١-١-٤. طرق استبقاء الحكم

١١٨	٤-١-١-٨. القضية الفلسطينية
١٢٦	٤-١-١-٩. هجاء العرب و العروبة
١٣٥	٤-١-٢. أساليب الهجاء السياسي عند نزار قباني
١٣٥	٤-١-٢-١. أسلوب السخرية
١٤٨	٤-١-٢-٢. استخدام التصوير
١٦٠	٤-١-٢-٣. خصائص أخرى في آثاره
١٦٠	٤-١-٣. نزار قباني الهجاء في ميزان النقد
١٦٤	٤-٢. مضامين الهجاء السياسي عند محمد الماغوط
١٦٤	٤-٢-١. الكذب المنتشر في نظام الحكم
١٦٥	٤-٢-٣. مسؤولوا الحكومة
١٦٦	٤-٢-٤. الوعود و الأكاذيب الحكومية لإسكات الشعب
١٧٣	٤-٢-٥. تصرفات الحكومة القمعية
١٧٨	٤-٢-٦. تناسي الحكومات العربية للأزمات
١٨٢	٤-٢-٧. السياسة المستخدمة في البلدان العربية
١٨٤	٤-٢-٨. التحولات المتسارعة
١٨٦	٤-٢-٩. وسائل الإعلام الحكومية
١٨٨	٤-٢-١٠. فساد الأنظمة و الإدارات
١٨٩	٤-٣. السجن و تأثيره على أدب الماغوط
١٩٥	٤-٤. أساليب الهجاء السياسي عند محمد الماغوط
١٩٨	٤-٤-١. أسلوب السخرية
٢٠٢	٤-٤-٢. استخدام التصوير
٢١٥	٤-٤-٣. أسلوب النداء
٢٢١	٤-٤-٤. أسلوب السرد
٢٢٦	٤-٤-٥. أسلوب النفي
٢٢٩	٤-٤-٦. أسلوب الاستفهام
٢٣١	٤-٤-٧. تشابه النهايات
٢٣٤	٤-٤-٨. الاستذكار "الفلاش باك"
٢٣٧	٤-٤-٩. خصائص أخرى في آثاره
٢٤٦	٤-٥. محمد الماغوط الهجاء في ميزان النقد
٢٤٨	الفصل الخامس: النتائج و الاقتراحات و خلاصة الرسالة بالفارسية

٢٤٩	١-٥ . النتائج.....
٢٥٤	٢-٥ . الإقتراحات.....
٢٥٦	٣-٥ . خلاصة الرسالة باللغة الفارسية.....
٢٦٨	مسرد المراجع.....
٢٨٣	Abstract.....

الفصل الأول: كليات

البحث،

و التعاريف

مقدّمة

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على أشرف الخلق أجمعين سيدنا محمد صلى الله عليه و سلم و على آله و صحبه و من و الاله إلى يوم الدين. أما بعد، نتج اختياري لشعر شاعرين نزار قباني و محمد الماغوط موضوعاً للدراسة، عن حب قدم يربطني بالشعر الحديث، حين كنت أبحث في صفحات المجلات العربية و الفارسية عن شيء قاله نزار قباني و محمد الماغوط في الأوضاع المتردية في البلدان العربية؛ فقد أعجبت بالشاعرين ، فقرأت من أشعارهما و أعمالهما الثرية و مقالتهما كثيراً، و في كل إعادة كنت أشعر أنهما يتحدثان عن شيء في نفسي أعيشه، أحببت شعرهما فبعدها اقترحت علي أستاذتي العزيزة الدكتورة روشنفكر موضوع الهجاء السياسي فقررت أن أغوص في أعماقهما، فاستشرت أستاذتي الفاضلة و طرحت عليها رغبتني في هذا البحث فوافقت و شجعتني، و أرشدتني إلى أستاذي الفاضل، الدكتور عيسى متقي زاده، ليكون مشرفاً مساعداً على هذه الدراسة؛ لما له من دراية في الموضوع، فوافق مشكوراً.

ثم عكفت على شعر نزار قباني و محمد الماغوط و نثرهما و كأنني أبحث عن مجهول بين السطور، فدراسة الشعر و النثر تستدعي أكثر من التذوق الشخصي، و المتعة الذاتية، قرأت أغلب ما كتب الشاعران شعراً أم نثراً، و ما كُتب عنهما، و خلال ذلك ركزت دراستي على أعمالهما السياسية، لأن موضوع الدراسة يتعلق بالهجاء السياسي في أدبهما، و ارشدتني أستاذتي الفاضلة للإطلاع على مراجع و كتب و رسائل تناولت موضوع الهجاء، و أشارت إلى مجموعة كبيرة من الكتب، فحصلت على أكثرها بعد مشقة، فقرأتها، مما مكّن لي القدرة على تحليل الهجاء السياسي كجانب أصلي في آثارهما.

تتصف أهمية الدراسة في كونها دراسة جديدة، الدراسات التي تناولت الهجاء كثيرة و خاصة الجانب السياسي منه و لكنني لم أجد كتاباً مستقلاً يعالج هذه الظاهرة في أعمال الشاعرين و خاصة محمد الماغوط، فحاولت هذه الدراسة أن تتناول

الهجاء السياسي في أعمالهما الأدبية. كما ننتهج منهج النقد الاجتماعي و المنهج الاجتماعي هو المنهج الذي يحاول كشف الصلة بين النصّ و المجتمع الذي نشأ فيه و نظراً لاتساع المادة المدروسة و كثرة ما قاله الشاعران، فقد عملت جاهدة على تقليص المادة، لنيل المطلوب و بحثت عن القسم السياسي من هجائهما.

الدراسة تهدف إلى تحقيق العديد من القضايا:

- ١- التعرف على الهجاء السياسي و مضامينه في العصر المعاصر .
 - ٢- معرفة مكانة الهجاء السياسي في أشعار الشعراء السوريين المعاصرين.
 - ٣- إقامة بحث يخدم الأدب الملتزم و أدب المقاومة و الأدب السياسي.
- و تحقيقاً لهذه الأهداف فقد قدمنا البحث في خمسة فصول.
- تناول الفصل الأول كليات البحث و المفاهيم و التعاريف و يتحدث عن الهجاء لغةً و اصطلاحاً و يتحدث أيضاً أهداف البحث و أسئلته و فرضياته و خلفيّة البحث بذكر الآثار الموجودة في هذا المضمار.
- تناول الفصل الثاني الهجاء السياسي في الأدب العربي و أنواعه و أساليبه و تطوره من العصر الجاهلي حتى العصر الحديث.
- أما الفصل الثالث، فيتناول الأوضاع السياسية و الاجتماعية و الاقتصادية المعاصرة في سوريا، كما يتناول حياة الشعراء نزار قباني و محمد الماغوط شخصياً و أدبياً.
- و الفصل الرابع يتناول الهجاء السياسي عند الشعراء في قسمين، قسم يختص بذكر المضامين السياسية الموجودة في أعمالهما و قسم آخر يختص بذكر الخصائص الفنية الموجودة فيها.
- و الفصل الخامس يختص بذكر النتائج و الإقتراحات التي رأيناها محلاً خصباً للدراسة و البحث.

اعتمدت الدراسة المنهج الوصفي التحليلي و لا أخفي ما اكتنفت هذه الدراسة من صعوبات جمّة؛ تمثلت في صعوبة الحصول على المراجع، لأن أغلبها موجود خارج الوطن، و هذا يتطلب الترحال و بما أنه لم يكن ميسوراً لي قمت بإرسال البريد الإلكتروني إلى الكتاب المشهورين المعاصرين الذين كتبوا عن الشعراء و خاصة محمد الماغوط و إن لم أحصل على كثير من

النتائج و اضطرت لشراء الكتب من خارج الوطن، و مشيئة الله هيأت لي أناساً كانوا عوناً لي، فلمموا أشتاتها و أرسلوها لي من البلدان العربية.

و في الختام لا يسعني إلا أن أتقدم بجزيل الشكر و العرفان لأستاذتي الجليلة، الدكتورة روشنفكر و الأستاذ الدكتور عيسى متقي زاده، و الدكتور خليل برويني، على ما قدموا لي من إرشادات كانت بمثابة النور الذي أضاء لي الظلمة، فقد غمروني بعطفهم و صبرهم منذ مراحل الدراسة الأولى، و لم يخلوا علىّ بعلمهم الغزير و كرمهم الأصيل، فالتزمت بملاحظاتهم و توجيهاتهم طيلة فترة الدراسة مذ كانت الفكرة تائهة حتى تحققت على هذه الصورة.

فأسأل الله أن يمدّ في عمرهم و أن يكلّلهم بعين رعايته، و أن يحفظهم من كل مكروه ليظلّوا سنداً و ذخراً لطلاب العلم و العلماء.

١-١. الكليات

١-١-١. مسألة البحث

الهجاء أو التهجاء أو الهجو نوع من الشعر نقيض المديح و يلتجأ الشاعر إليه عندما يريد أن يعبر عن سخطه و إشمئزاه من شخص آخر و هو عكس المديح. فالمديح يقوم على عاطفة الإعجاب و التقدير و ذكر المناقب أما الهجاء فيقوم على ذكر السخط و الإشمئز و ذكر المثالب. و يذكر له أنواع منها الهجاء الفردي و الجماعي و الخلفي و الخلفي و الفاحش و الكاريكاتوري و العفيف و نلاحظ كثيرا من هذه الأنواع في العصور المختلفة. (<http://ar.wikipedia.org>) و لكن ذكر الدكتور محمد حسين في كتابه الهجاء و المهاؤون في الجاهلية أن النقاد يذكرون للهجاء ثلاثة أنواع و هي الهجاء الشخصي و الأخلاقي و السياسي. (محمد حسين، ١٩٧٠: ٢٣) في الهجاء يمكن للمعنى أن يحتوي بعدا اجتماعياً أو سياسياً. مثلما حمل الشعر الحديث بعض قضايا الوطن فيمكن أن يظهر نوع متمشكل إسمه الهجاء المنتزم. (www.ahewar.org)

لفظة الالتزام قديمة في الاستعمال اللغوي، لكن التطور الفكري الحديث قد أفاض عليها معنى إصطلاحياً جديداً. و هي أكثر ما تطلق اليوم في معرض الكلام على الفكر و الأدب و الفن، حيث نجد في مضامينها مشاركات واعية في القضايا الإنسانية الكبرى: السياسية و الاجتماعية و الفكرية. (ابو حاقه، ١٩٧٩: ١٢)

أما لفظة المترجم فأكثر ما تطلق على المثقف من المفكرين، و الكتاب و الفنانين لأن الموقف الذي يتخذه المثقفون يكون له من الأهمية أكثر مما لسائر فئات المجتمع... وقد جاء في الموسوعة العالمية، حديث مفصل عن الالتزام يقع في نحو أربعة و عشرين جزءاً، و هو يتناول موضوع الالتزام و مطارحاته من جوانب متعددة، لا سيما من حيث هو سلوك، و من حيث هو فعل و من حيث رؤيته للمستقبل و تأثيره فيه. و ما في الالتزام من تورط و مسؤولية و حرية و موقف و ما إلى ذلك. (<http://www.mawsoah.net>) يفهم الالتزام بمعنيين: "معنى السلوك (la conduite)، و معنى فعل التقرير (acte de decision)، فالأول يكون تبعاً لما يدل عليه من نوع الوجود الذي فيه أو بواسطته يتورط المرء في مجرى العالم، فيشعر أنه مسؤول عما يحصل، و يفتح باب المستقبل للعمل، و الثاني يكون بدلالة اللفظة على عمل يرتبط المرء بواسطته ارتباطاً ذاتياً بمستقبله، إما بتصرفات يأتيها، أو بنشاط يمارسه، أو بنوع من العيش يجياه". (ابوحاقة، ١٩٧٩: ١٣) وكثيراً ما يستعمل الشاعر في أشعاره مختلف الفنون لايراد التزامه بالمجتمع كما يستخدم فن الهجاء بهذا الشأن.

إنّ الهجاء السياسي يتميز عن سائر أنواع الهجاء بأن صاحبه يرى مثله الأعلى في حزب من الأحزاب أو طائفة من الطوائف أو مذهب من المذاهب، فهو يهاجم كل ما يتعارض مع أفكاره و حزبه من نقائص و معاييب تتمثل في أنصار حزب آخر. و هو يزعم في كل هذا- صادقاً أو متصنعاً- أنه يهاجم في سبيل الفضيلة و الحق و لا مجال فيه للتصنع و العمق و الإبعاد في الخيال كما ذكره صاحب زهر الآداب " و أصحاب المطبوع أقدر على الهجاء من أهل المصنوع". (محمد حسين، ١٩٧٠: ٢٨) بتعبير آخر الهجاء نقد للحياة. فهو يأخذ مادته من الواقع و لا يستمدّها من الخيال أو التفكير غالباً و لذلك كانت أبرز صفاته الواقعية البعيدة عن الإسراف في الصناعة.

و الشاعر الهجاء يعيد دوره التقليدي، و يزداد رصيده عند اقترابه من السلطة، و حيث إن السلطة الثقافية في البلدان العربية هي مجرد تابع للسلطة السياسية، و لا تنتقد توجهاتها إلا في الإطار الضيق، لذلك يسعى الشاعر أو الذين يطمحون إلى الإقتراب من السلطة من خلال قصائد المديح للشاعر أو الأمير أو المحافظ، و كذلك الإشادة بانتصارات و الانجازات التي حققتها هذه السلطة لدرجة أن عدداً كبيراً من هؤلاء تم إحتواؤهم في المؤسسة الرسمية و أصبحوا جزءاً منها و لكن لماذا يلجأ الشاعر إلى المعارضة أو الرفض؟

إن أهم ما يدفع الشاعر ليتجه نحو الهجاء غالباً هو عدم تحمّله سياسة القهر و الظلم يعيشها المجتمع الوقوف ضد الظلم و أهله، و قد رأى "رستناوي" أنّ الذي يدفع الشاعر إلى المعارضة و الرفض هو بغية كسب جماهيرية مضاعفة، كتحويل نفسي لسياسة القهر التي يمارسها النظام و بذلك يكون الرفض أو الهجاء السياسي بوابة دخول جماهيرية و شعبية بحد ذاته. (<http://www.ahewar.org>) فهؤلاء الشعراء الراضون هم طائفة من المتمردين لالتجمع بينهم أزمنة و لا أمكنة، فهناك عمرو بن كلثوم في العصر الجاهلي و حافظ ابراهيم في العصر الحديث و أحمد مطر في الألفية الثالثة، في الوقت ذاته نجد أبقاسم الشابي "تونسيا"، و الجواهري "عراقيا" و البردوني "بمبيا" و أمل دنقل "مصرياً" و عمر ابوريشة "سوريا" و محمود مفلح "فلسطينياً"، وتوحدهم رسالة واحدة وإن تفرقهم الاوطان المتباعدة. هؤلاء الشعراء يستخدمون هذا الفن مرة بشكل مباشر وأخري غير مباشر بأسلوب كنايبي. يلاحظ في كثير من قصائد هؤلاء الشعراء التقليل من شأن الآخرين يمكن أن يكون هذا الآخر هو أمة عربية أو زعيم سياسي أو ديني أو غير ذلك. و كثيراً ما يعبر الشعراء عن مواقفهم و أحاسيسهم أمام ما يجري في العالم العربي أو غيره. و هذا الشعر هو الشعر السياسي ذاته كما يقول محمد القوصي صاحب كتاب "الشعراء في مواجهة الطغيان": إن هذا اللون الشعري الممنوع اقتناؤه والمحظور تداوله – له سمات خاصة به دون غيره من الألوان الشعرية الأخرى، كما أن شعراء لهم خصائص نفسية معينة، وله ظروف زمانية ومكانية بذاتها، سوف نشير إلى جانب منها في السطور التالية : الشعر السياسي كثيراً ما يعبر عن "أيديولوجية" فكرية بعينها كالأحزاب والفرق والمذاهب والعصبية المتناحرة، وخير شاهد على هذا اللون الشعري ما كان في العصر الأموي بالذات، حيث ارتدت الحياة السياسية والاجتماعية إلى سابق جاهليتها في العصبية المتأججة التي استشرت حتى أصابت بعض فضلاء المسلمين غافلين عما في ذلك من الضرر. (القوصي، ٢٠٠٩: ١٧٥)

وهذا النوع من الشعر يغلب عليه في بعض الأحيان طابع "التكتم" وهذا اللون ما أسماه النقاد بـ"المكتمات" وهي أشعار موجودة في كل عصر، وقصائد المكتمات يصعب العثور عليها، فضلاً عن الاستدلال على أصحابها، فمصيرها الضياع والتلف والتشويه، والإحراق، والإغراق. مثلما قيل في الرسول صلى الله عليه و آله من قبل الكفار و المشركين . والشعر السياسي وليد لظروف بعينها، فالشاعر مدفوع إليه دائماً بدافع قهري، فعندما تلح عليه فكرة أو موضوع القصيدة، فلا يستطيع صدها أو منعها